نگاه حقوقی

جامعه‌ای که گذشته را مصرف می‌کند

پیمان حاج‌محمودعطار
دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی

حکایتی منسوب به شرلوک هولمز نقل می‌شود که در یکی از پرونده‌هایش پس از مشاهده جسدی، درباره وضعیت اقتصادی مقتول چنین نتیجه‌گیری کرد: «او زمانی فردی ثروتمند بوده است، اما چند سالی است که دیگر رونق گذشته را ندارد؛ لباســش از بهترین خیاطان شهر است، اما سال‌ها از دوخت آن می‌گذرد. هنوز آن‌قدر فقیر نشده که لباسش را بفروشد، اما دیگر توان خرید لباس نو از همان خیاط را نیز ندارد». فارغ از صحت تاریخی این روایت، این حکایت تصویری دقیق از وضعیتی اســت که امروزه می‌توان آن را «مصرف گذشته» نامید؛ وضعیتی که در آن، نشانه‌های رفاه هنوز دیده می‌شود، اما توان بازتولید آن رفاه از میان رفته است. گفته می‌شود احمدشاه قاجار نیز در سال‌های تبعید، با اشاره به رولزرویس قدیمی خــود، همین حکایت را برای توصیف وضعیتش نقل می‌کرد. او می‌گفت هرکس این خودرو را ببیند، درمی‌یابد زمانی توان خرید رولزرویس داشته‌ام، اما اکنون دیگر استطاعت خرید مدل جدید آن را ندارم و در عین حال هنوز آن‌قدر تهیدست نشده‌ام کــه همان خودروی قدیمی را بفروشــم. امروز این روایــت، بیش از آنکه حکایت احمدشاه باشد، به استعاره‌ای از وضعیت بخشی از طبقه متوسط ایران تبدیل شده است؛ طبقه‌ای که هنوز خانه، خودرو یا برخی دارایی‌های گذشته را حفظ کرده، اما دیگــر توان جایگزین‌کردن، نوســازی یا حتی گاه نگهداری مناســب آنها را ندارد. جامعــه‌ای که بیش از آنکه ثروت جدید تولید کند، در حال مصرف ســرمایه‌های دیروز خویش اســت. «ملت احمدشــاهی» بیش از آنکه یک تعبیر تاریخی باشد، اســتعاره‌ای جامعه‌شــناختی برای توصیف وضعیت اقتصادی بخشی از جامعه است؛ جامعه‌ای که هنوز نشانه‌هایی از رفاه گذشته را با خود حمل می‌کند، اما دیگر توان بازتولید آن رفاه را ندارد. در این وضعیت، خانه، خودرو، لوازم منزل، کتابخانه، وسایل کار و حتی بسیاری از دارایی‌های خانوار، یادگار سال‌هایی هستند که درآمد، قدرت خرید و امید به آینده وضعیت بهتری داشت. امروز اما بسیاری از خانواده‌ها نه توان خرید کالای جدید دارند و نه امکان جایگزین‌کردن دارایی‌های فرسوده خود را. آنها صرفا در حال مصرف ســرمایه‌های گذشته‌اند. جامعه‌شناسان این پدیده را «فقیرشدگی طبقه متوسط» می‌نامند. فقیرشدگی الزاما به معنای نداشتن دارایی نیست، بلکه به این معناســت که افراد، با وجود برخورداری از برخی دارایی‌های قدیمــی، توان حفظ، نوســازی یا جایگزینــی آنها را از دســت می‌دهند. در چنین شرایطی، ظاهر زندگی ممکن است همچنان نشــانه‌هایی از رفاه گذشته را حفظ کرده باشــد، اما واقعیت اقتصادی چیز دیگری است. کاهش مستمر قدرت خرید، تورم، افت ارزش پول ملی، کاهش فرصت‌های شغلی و افزایش هزینه‌های زندگی، طبقه متوســط را به‌تدریــج از طبقه‌ای تولیدکننــده و ســرمایه‌گذار، به طبقه‌ای مصرف‌کننده دارایی‌های گذشته تبدیل می‌کند. خانواده‌ای که هر چندسال یک بار خودروی خود را تعویض می‌کرد، اکنون فقط به تعمیر آن می‌اندیشد. خانه‌ای که زمانی محل انباشت سرمایه بود، امروز فقط پناهگاهی است که صاحب آن نگران از دســت دادنش است. حتی کالاهای ســاده‌ای مانند پوشاک، کتاب، عطر یا لوازم خانگی نیز از فهرســت خریدهای معمول خارج شده و به کالاهایی تبدیل شده‌اند کــه تا آخرین حد ممکن مورد اســتفاده قرار می‌گیرند. پیامــد این وضعیت صرفا اقتصادی نیست. جامعه‌ای که آینده را از دست می‌دهد، به گذشته پناه می‌برد. امید به پیشــرفت، جای خود را به تلاش برای حفظ حداقل‌های موجود می‌دهد. افراد به‌جای برنامه‌ریزی برای توسعه، تمام توان خود را صرف جلوگیری از سقوط بیشتر می‌کنند. در چنین فضایی، احســاس امنیت اقتصــادی، اعتماد اجتماعی و انگیزه سرمایه‌گذاری نیز به‌تدریج کاهش می‌یابد. «ملت احمدشاهی» اگرچه یک استعاره ادبی است، اما واقعیتی عمیق را بازتاب می‌دهد؛ جامعه‌ای که به‌جای تولید ثروت جدید، ناگزیر از مصرف ســرمایه‌های گذشته شده است. خطر اصلی این وضعیت صرفا کاهش رفاه نیســت، بلکــه از بین رفتن امید به آینده اســت. جامعه‌ای که شــهروندان آن فقط می‌کوشند داشــته‌های دیروز خود را حفظ کنند و دیگر توان نوســازی، ســرمایه‌گذاری و ارتقای ســطح زندگی را ندارند، به‌تدریج دچار رکود اقتصادی، فرســایش سرمایه اجتماعی و گسترش احساس ناامنی نسبت به آینده خواهد شــد. توســعه اقتصادی زمانی معنا پیــدا می‌کند که هر نســل بتواند بر دســتاوردهای نسل پیشین بیفزاید، نه آنکه صرفا از میراث گذشته مصرف کند. اگر جامعه‌ای به مرحله‌ای برسد که دارایی‌های دیروز را برای گذران امروز هزینه کند، زنگ خطر افول اقتصادی به صدا درآمده است.

چــرا جامعــه‌ای بــه مرحلــه «مصرف گذشــته» می‌رســد؟ جامعــه‌ای که ســرمایه‌گذاری در آن کاهــش می‌یابد، تولید ثروت از رشــد بازمی‌ماند، ارزش پول ملی پیوســته تنزل می‌کند و درآمد واقعی مردم سال‌به‌سال کاهش می‌یابد، ناگزیر به مصرف ســرمایه‌های گذشته روی می‌آورد. در چنین جامعه‌ای، افراد نه از محل درآمد امروز، بلکه از محل دارایی‌های دیروز زندگی می‌کنند. خودرو تعمیر می‌شود، اما تعویض نمی‌شــود؛ خانه بازسازی نمی‌شــود، بلکه فقط از فرسودگی کامل آن جلوگیری می‌شــود؛ پس‌اندازها خرج هزینه‌های جاری می‌شوند و حتی ارث نسل گذشــته، جای درآمد نســل حاضر را می‌گیرد. این همان نقطه‌ای است که جامعه به‌جای ساختن آینده، گذشته خود را مصرف می‌کند.

خبر

چالش‌های درمان معتادان

مدیرکل درمان ستاد مبارزه با مواد مخدر با تشریح رویکردهای جدید این ستاد در حوزه درمان اعتیاد، از اجرای «طرح تحول درمان» با هدف تکمیل زنجیره درمان، کاهش بازگشــت به مصرف مواد و ارائه خدمات جامع درمانی، روان‌شناختی، اجتماعی و حمایتی خبر داد. سلیمان عباسی با بیان اینکه تجربه سال‌های گذشته نشان داده اســت درمان اعتیاد فقط به پایان دوره سم‌زدایی یا درمان دارویی محدود نمی‌شــود، افزود: «یکــی از مهم‌ترین چالش‌های حوزه درمان، بازگشت مجدد افراد به چرخه مصرف مواد پس از پایان دوره درمان بوده است؛ موضوعی که عمدتا به دلیل نبود حمایت‌های اجتماعی، اشتغال، مسکن و پیگیری مســتمر پس از ترخیص رخ می‌داد». او ادامــه داد: در «طرح تحول درمان» تلاش شــده اســت تمامی حلقه‌های مفقوده این چرخه شناســایی و تکمیل شــود. به همین منظور علاوه بر بازنگری در قوانین، دســتورالعمل‌ها و پروتکل‌هــای درمانی، برنامه‌های حمایتی پس از درمان نیز به صورت جدی در دستور کار قرار گرفته است. مدیرکل درمان ستاد مبارزه با مواد مخدر با اشاره به راه‌انــدازی مراکز «امید و زندگی» گفت: «این مراکز با رویکردی متفاوت از مراکز نگهداری گذشــته طراحی شــده‌اند و صرفا محل اقامت یا درمان افراد نیستند، بلکه مجموعه‌ای از خدمات درمانی، روان‌شــناختی، آموزشــی، مهارت‌آموزی، اشتغال و حمایت اجتماعی را به صورت هم‌زمان ارائه می‌کنند». عباسی ادامه داد: «در این مراکز، افرادی که پس از درمان از حمایت خانواده برخوردار هستند، ضمن بازگشت به محیط خانواده، از خدمات اشتغال و پیگیری مستمر بهره‌مند می‌شــوند، اما برای افرادی که فاقد شغل یا سرپناه هستند نیز امکانات اسکان، آموزش‌های مهارتی و فرصت‌های اشتغال پیش‌بینی شده است تا بتوانند زندگی مستقلی را آغاز کنند». او با تأکید بر اینکه حمایت از بهبودیافتگان به پایان دوره درمان محدود نمی‌شود، ادامه داد: «در طرح جدید، افراد پس از ترخیص تا سه ســال تحت نظام «مدیریت مورد» قرار می‌گیرند و کارشناســان به‌طور مستمر وضعیت درمان، اشتغال، محل زندگی و شرایط اجتماعی آنان را رصد می‌کنند تا احتمال بازگشت به مصرف مواد به حداقل برسد».

آسیب‌شناسی توسعه شتاب‌زده بوم‌گردی و ضرورت مشارکت جوامع محلی

بوم‌گردی بدون بوم

مریم کاظمی‌زاده: «هر روستا، یک بوم‌گردی»؛ شعاری که قرار بود نسخه‌ای برای رونق گردشگری روستایی باشد، اما بدون شناخت ظرفیت‌های طبیعی، فرهنگی و اجتماعی هر منطقه، می‌تواند به‌جای توسعه پایدار، به مداخله‌ای بیرونی و آسیب‌زا تبدیل شود. کارشناسان معتقدند اکوتوریسم پیش از ساخت اقامتگاه، به برنامه‌ریزی، توانمندسازی جامعه محلی و پذیرش واقعی میزبان نیاز دارد. اکوتوریسم، به دلیل نیازنداشتن به زیرساخت‌های سخت‌افزاری پرهزینه مانند هتل‌های لوکس و حمل‌ونقل پیچیده، از نگاه برخی تصمیم‌سازان، طرحی آسان و سریع‌الاجراست. اما غفلت از زیرساخت‌های نرم‌افزاری، انسانی و ظرفیت‌سازی جامعه میزبان، بسیاری از این پروژه‌ها را به شکست کشانده است. این گزارش، با بهره‌گیری از دیدگاه‌های غلامحسین کریمی، رئیس انجمن علمی گردشگری شمال‌غرب، پرویز پیران، جامعه‌شناس و افسانه احسانی، پژوهشگر حوزه اکوتوریسم، به آسیب‌شناسی برنامه‌ریزی مقاصد اکوتوریستی در ایران پرداخته و بر ضرورت بازنگری در شــیوه‌های دســتوری، توجه به ظرفیت‌های بومی و مشارکت واقعی جوامع محلی تأکید می‌کند. سؤال اساسی این است که آیا با شیوه تکرارشده چند دهه‌ای در ایران که به معنی «اعمال توسعه از بیرون» است، می‌توان انتظار توسعه پایدار در گردشگری را داشت؟ آیا شعار «هر روستا، یک بوم‌گردی، منجر به توسعه پایدار در گردشگری روستایی می‌شود؟».

اکوتوریسم؛ شتاب‌زدگی در ساده‌انگاری

از آنجایی که اکوتوریســم نیاز به زیرســاخت‌های ســخت‌افزاری پرهزینه مانند هتل، حمل‌نقل گســترده و پیچیده و دیگر امکانات لوکس ندارد، از نگاه برخی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران، طرح‌های اکوتوریســتی آسان و سهل‌الوصول به نظر می‌رسد؛ بنابراین باید به‌راحتی و در کوتاه‌ترین زمان اجرا شوند و به بهره‌برداری برسند. از طرفی، برخی مدیران و تصمیم‌گیران گردشگری با نیت خیر و برای کمک به بهبود شرایط، پیش از کسب تجارب کافی و مطالعات ضروری، وارد حوزه برنامه‌ریزی و اجرای صنعت گردشگری می‌شوند و مقاصد جدیدی را بدون ظرفیت‌سازی و طی‌کردن فرایند آماده‌سازی جامعه میزبان برای پذیرش گردشــگر معرفی می‌کنند. درحالی‌که در اکوتوریسم، زیرساخت‌های غیرکالبدی، نرم‌افزاری و انسانی اولویت و جایگاه ویژه‌ای دارند.

پرسش از گذشته، حال و آینده

برنامه‌ریــزی فرایندی اســت دربرگیرنده انتخاب یک آینده مطلــوب از میان طیفی از گزینه‌ها و قراردادن خط‌مشی‌ها در ساختاری که به نتیجه مطلوب منجر شود. هر مقصد اکوتوریســم، نیازمند یک طرح اســت که در آن نحوه اجرا و مدیریت فعالیت اکوتوریستی تعریف می‌شود. براساس‌این، برنامه‌ریزی برای یک مقصد اکوتوریسم، قدم اولیه و ضروری است که قبل از انجام یک پروژه اکوتوریستی و با هدف تحقق‌بخشیدن به رسالت و مزایای بالقوه‌ای که برای اکوتوریســم تعریف می‌شــود، انجام می‌شــود. هنگام برنامه‌ریزی سه پرســش اساسی مطرح است: کجا بوده‌ایم؟ کجا هســتیم؟ می‌خواهیم به کجا برسیم و چگونه؟ نگاهی به گذشــته و فرایندی که گروه‌هایی پیــش از ما طی کرده‌اند، می‌اندازیم و نقــاط ضعف و قوت آنها را بررســی می‌کنیم. وضعیت موجود را بررســی می‌کنیم تا برنامه‌ریزی براســاس واقعیت انجام شــود. چشــم‌انداز و اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت، درازمدت و همچنین شیوه‌های رسیدن به آن را مشخص می‌کنیم. ایجاد مقصد اکوتوریسم، فرایند برنامه‌ریزی و اجرای یک طرح توسعه پایدار و با هدف تبدیل یک منطقه به مقصد گردشگری است که در آن به واسطه اکوتوریسم، رسیدن به پایداری اکولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی در منطقه میسر خواهد شد.

وقتی ایدئال‌ها در واقعیت گم می‌شوند

در بسیاری از سیستم‌ها، اکوتوریسم با قابلیت بالقوه خود به عنوان ابزاری اقتصادی و حفاظتی برای رسیدن به اهداف توسعه پایدار به کار گرفته شده است. در یک نگاه ایدئال، اکوتوریســم مزایای متوازنی را برای ذی‌نفعان نوید می‌دهد؛ به واسطه آن تجربه‌ای ناب برای گردشــگران و معیشتی پایدار برای جامعه میزبان فراهم شود و در نهایت آنها را به حامیان و حافظان طبیعت و فرهنگ منطقه تبدیل کند. اما این تصور ایدئال در واقعیت تا چه اندازه حاصل می‌شود؟ واقعیت این است که متأسفانه پروژه‌های ناموفق اکوتوریسم کم نیستند؛ پروژه‌هایی که در توزیع عادلانه منافع و مزایا میان همه ذی‌نفعان خود شکست خورده‌اند. با اینکه اکوتوریســم می‌تواند استراتژی اقتصادی و حفاظتی قدرتمندی باشد، ولی رســیدن به مزایای ذاتی آن در گرو برنامه‌ریزی درســت آن اســت. افزایش روزافزون علاقــه و اقبال به اکوتوریســم با هدف توان‌افزایی جامعه بومــی، محافظت اکولوژیکی، ایجاد تجربه‌ای لذت‌بخش برای گردشــگران، حفظ بافــت فرهنگی و اجتماعی جامعه مقصد و البته تولید درآمد برای کسب‌وکارهای مرتبط، توجه به برنامه‌ریزی را برای مقاصد اکوتوریسم امری ضروری کرده است.

توسعه گردشگری روستایی؛ پیش‌نیازهای گم‌شده

غلامحسین کریمی، رئیس انجمن علمی گردشگری شمال‌غرب، عضو پیوسته انجمن علمی گردشگری ایران، مدرس دانشــگاه و پژوهشگر، برای توسعه گردشگری و ساخت بوم‌گردی در روســتاها، عوامل متعددی را ضروری می‌داند: «محدودیت‌های اکولوژیک و زیست‌محیطی، فرسایش خاک، آسیب‌پذیری زیستگاه‌های جانوری، انواع زیرساخت مانند حمل‌ونقل، مسیرهای دسترسی، جذابیت‌ها و پتانسیل‌های خاص گردشگری، اقامت، تأمین آب، ساماندهی فاضلاب، ســاماندهی زباله تولیدی، استفاده از منابع محلی و همین‌طور ظرفیت برد روستاها باید بررسی شود». عوامل اجتماعی و فرهنگی در روستاها نیز از عوامل مهم در برنامه‌ریزی توسعه روستایی هستند که باید مورد توجه قرار گیرند. درباره توسعه گردشگری، جامعه محلی باید آمادگی پذیرش گردشگر و توسعه گردشگری را داشته باشد. برخی جوامع ریتم فرهنگی بسته‌ای دارند و حضور بالای گردشگر در آن، منجر به تعارض و اختلالات فرهنگی می‌شود. خطر تجاری‌سازی فرهنگ و ازبین‌رفتن اصالت فرهنگی نیز پدیده‌ای اســت که در امر توسعه گردشگری روستایی باید مدنظر قرار گیرد. ممکن است در یک روســتا، با گسترش فرهنگ میهمان‌نوازی، المان‌های فرهنگی جامعه مبدأ بازیابی شود. به عبارت دیگر، میهمان‌نوازی می‌تواند منجر به حفظ فرهنگ ناملموس جامعه مبدأ شــود. عوامل اقتصادی از دیگر عوامل مورد بررسی در توسعه گردشگری روستایی است. در امر توســعه باید به توجیه اقتصادی توجه کرد. بوم‌گردی باید در جایی ســاخته شود که امکان برگشــت سرمایه وجود داشته باشد. جمعیت روستا و نیروی آموزش‌دیده نیز از عواملی است که باید برای توسعه گردشگری روستایی و ساخت بوم‌گردی در نظر گرفت. بررسی طرح‌های هادی روستایی، کمک زیادی به جامع‌بودن و هدفمندبودن مطالعات و بررسی‌های توسعه گردشــگری روستا و بررسی امکان ساخت اقامتگاه‌های بوم‌گردی در روستاها می‌کند. اگر در پس مطالعات و بررسی‌ها، عوامل یادشده دارای ضعف باشند و به معنای کلی، ساخت بوم‌گردی دارای توجیه فنی و اقتصادی نباشد، کار ساخت بوم‌گردی در آن روســتا کاری علمی و حساب‌شــده نخواهد بود و صرفا هدررفت ســرمایه و انرژی انسانی افراد درگیر در طرح خواهد بود.

توسعه درون‌زا در برابر برون‌زا؛ نگاهی به آرای پرویز پیران

پرویز پیران، جامعه‌شــناس، در آثار خود به تصریح توســعه درون‌زا و مقایســه آن با توسعه برون‌زا و دستوری می‌پردازد. پیران معتقد است: «توسعه درون‌زا بر ضرورت تغییر همــه اجزای جامعه، ارتقای ســطح زندگی اکثریت افراد و فراهــم‌آوردن امکان هدایت آگاهانه جامعه از طریق مردم، باور دارد، اما توســعه برون‌زا، از درون جامعه سرچشــمه نمی‌گیرد و به اوضاع و احوال جامعه بی‌اعتناست و دگرگونی‌ها را به جبر تحمیل می‌کند و خواســت‌های خود را از طریق برنامه‌های تدوینی عملی می‌سازد. توسعه برون‌زا مانند مجموعه‌ای از فرایندهاســت که طراحی می‌شود تا پاسخ‌گوی مطالبات و نیازهای مردم باشد. توسعه برون‌زا به‌مثابه هم‌کنشی ایرانیان برای ارتقای سطح زندگی است، اما در هر حال، محصول سازوکارهای درونی جامعه نیست، بلکه از بیرون بر بوم این سرزمین تحمیل می‌شود. همچنین از خلال این تحمیل و اجبار، مردم بومی مناسبات تولیدی جدیدی را از ســر گذرانده و تجربه کردند که تا پیش از آن تجربه نکرده بودند». این تغییر اعمال‌شده از بیــرون بر یک جامعه، منجر به اخلال در نظام تولیــدی، اقتصادی و اجتماعی جامعه‌ای می‌شــود که گاهی هرچند ضعیف، اما در طول ســال‌ها، چرخه زندگی مردم را بر دوش کشیده است. با اعمال تغییرات از بالا، این سیستم سنتی می‌تواند به‌کلی مختل شود و مردم بومی را از تولیدکننده به مصرف‌کننده مطلق تبدیل کند.

جامعه میزبان، جاذبه‌های پنهان و آسیب‌شناسی مداخلات دولتی

افسانه احسانی، پژوهشگر حوزه اکوتوریسم، با تأکید بر نقش تعیین‌کننده و انتخاب‌گری جوامع محلی در بعد اجتماعی-فرهنگی، می‌گوید: «یکی از نکات کلیدی، تأکید بر نقش جامعه میزبان در پذیرش یا رد گردشــگری است. اشــاره به مطالعه‌ای در این باب نشان می‌دهد بهره‌برداری از معادن در منطقه‌ای به گردشــگری تبدیل شد، اما اهالی درون‌گرا و دارای فرهنگ خاص، تمایلی به حضور گردشــگران نداشــتند. این الگو در بعضی نقاط حتی برخی فرهنگ‌های دیگر در کشــور نیز مصداق دارد که میزبان‌پذیری چندانی از خود نشان نداده‌اند. اما این موضوع نیازمند بررسی و مطالعات پژوهشی است. نمی‌توان برای کشوری به پهناوری ایران و تنوع فرهنگ و اقوام آن در تمام مناطق و فرهنگ‌ها یک نسخه واحد اعمال کرد. بنابراین گردشگری نباید به عنوان یک «عامل بیرونی مداخله‌گر» تحمیل شود، بلکه خواست و انتخاب خود مردم، محور اصلی موفقیت یا شکست آن است». او در بازتعریف مفهوم جاذبه، فراتر از طبیعت و کالبد فیزیکی، می‌گوید: «در نقد دیدگاه «همه جا جاذبه ندارد»؛ تأکید می‌شود جاذبه منحصر به مناظر طبیعی چشمگیر نیست. بسیاری از مکان‌ها، با وجود سادگی کالبدی، دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی هستند که مخاطبان خاص خــود را جذب می‌کنند. از این منظر، دیدگاه وزیر مبنی بر اینکه «هر جایی می‌تواند جاذبه داشته باشــد» نه‌تنها با واقعیت منافاتی ندارد، بلکه نقطه قوتی برای برنامه‌ریزی کلان محسوب می‌شود و دو دیدگاه مذکور در تقابل با یکدیگر نیستند». احسانی با اشاره به تجربه‌های میدانی خود از یک خانه روستایی تا شکل‌گیری نیازهای نوین را روایت می‌کند: «تجربه عملی آغاز بوم‌گردی در ســال ۱۳۸۲ از یک خانه کوچک روســتایی، گویای مسیر تدریجی توسعه است. در ابتدا هیچ‌کس به فکر اقامت در روستا نبود، اما به‌مرور ارتباط با میهمانان، انگیزه توسعه را ایجاد کرد و اقتصاد محلی را ارتقا بخشید. جالب آنجاست خود اهالی به‌تدریج خواستار امکانات بیشتر (اتاق اضافه و تلویزیون بزرگ‌تر) شدند».

آسیب‌شناسی مداخلات دولتی

مهم‌ترین چالش اجرائی مطرح‌شــده از ســوی احســانی، به دخالت‌های بی‌ضابطه دولت و نهادهای وام‌دهنده بازمی‌گردد: ● **شاخص‌های ارزیابی سلیقه‌ای:** اینکه چه کسی صلاحیت آموزش، شرکت در دوره‌ها و تأیید شاخص‌ها را دارد، محل تردید است. فعالان اولیه بوم‌گردی همواره تأکید داشته‌اند استانداردها باید متناسب با هر استان، منطقه، روستا و حتی هر بازه زمانی متغیر باشند، نه یکسان و اجباری. ● **الزامات مالی و مصالح ساختمانی:** وام‌دهندگان شــرط می‌کنند از مصالح خاصی استفاده شود، در غیراین‌صورت وام با سود بــالای ۲۳ درصد تعلق نمی‌گیرد. این رویه نه‌تنها انعطاف‌پذیــری را از بین می‌برد، بلکه هویت بومی را قربانی استانداردهای شهری می‌کند. ● **هماهنگی بین‌نهادی:** وزارت میراث فرهنگی باید با سازمان محیط زیست برای ترازکردن شاخص‌های تالاب‌ها هماهنگ شود که این خود نیازمند کار کارشناســی دقیق اســت. ● **ســتاره‌دهی و مفاهیم هتل‌گونه:** طرح ارزیابی و امتیازدهی (ســتاره‌دارکردن) خانه‌های بوم‌گردی، به‌ویژه مفاهیمی مانند «اتاق مستر»، در بافت روستا بی‌معنا بوده و فضای صمیمی روستا را به هتل تبدیل می‌کند که به قول گزارش، «مصیبتی» برای این صنعت است.

به نفع تداوم بوم‌گردی، اما با اصلاح رویه‌ها

بــا وجود تمام کاســتی‌ها و نقدهای وارد بــر رویه‌های فعلی، دیــدگاه نهایی گزارش قاطعانه به نفع تداوم بوم‌گردی اســت. اشاره به تجربه دوستی معدن‌کار نشان می‌دهد هر کوهی را می‌توان به‌جای اســتخراج با مواد منفجره، به مقصدی برای گردشــگری و صنایع دستی تبدیل کرد. در شــرایط کنونی کشور، حتی اگر خانه‌ای با دیوارهای سیمانی و کاشی‌کاری‌شــده باشد، باز هم حضور بوم‌گردی به‌مراتب ارجح بر نابودی کامل منطقه یا راکد ماندن آن اســت. بنابراین به‌جای کنارگذاشــتن این ظرفیت عظیم، باید با بازنگری در شاخص‌های ســلیقه‌ای، کاهش دخالت‌های دستوری و توانمندسازی واقعی جوامع محلی، با ملاک قراردادن طرح‌های هادی و توسعه درون‌زای جوامع بومی، با اصلاح نگاه توسعه تحمیلی و بخش‌نامه‌ای، مسیر اصلاح رویه‌ها را در پیش گرفت.

اداره کل ثبت اسناد واملاک استان کرمانشاه
اداره ثبت اسناد واملاک حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه دو
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابـر آراء شـماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۶۰۱۴۰۰۴۲۲۰ و ۴۲۱۷ مـورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۷ هیـات اول/ دوم موضـوع قانـون تعییـن تکلیـف وضعیـت ثبتـی اراضـی و سـاختمان هـای فاقـد سـند رسـمی مسـتقر در واحـد ثبتـی حـوزه ثبـت ملـک کرمانشـاه ناحیـه دو تصرفـات مالکانه بلامعـارض متقاضـی آقای بهمـن محمدی خوشـینانی فرزنـد الـه محمـد در ششـدانگ۲ قطعـه زمیـن مزروعـی بـه مسـاحت هـای ۱۱۱۴۰٫۰۱ و ۶۳۱۹٫۴۱ مترمربـع در قسـمتی از پـلاک شـماره ۱۰۶ اصلـی واقـع در قریـه یلـوه سـفلی بخـش سـه حومـه خریـداری از مالـک رسـمی آقـای میـرزا محمـدی محـرز گردیـده اسـت لـذا بـه منظـور اطـلاع عمـوم مراتـب در دو نوبـت بـه فاصلـه ۱۵ روز آگهـی مـی شـود در صورتـی که اشـخاص نسـبت بـه صدور سـند مالکیـت متقاضـی اعتراضـی داشـته باشـند مـی تواننـد از تاریـخ انتشـار اولیـن آگهـی بـه مـدت دو مـاه اعتـراض خـود را بـه ایـن اداره تسـلیم و پـس از اخـذ رسـید، ظـرف مـدت یـک مـاه از تاریـخ تسـلیم اعتـراض، دادخواسـت خـود را بـه مراجـع قضایـی تقدیـم نماینـد .بدیهـی اسـت در صـورت انقضـای مدت مذکـور و عـدم وصـول اعتـراض طبـق مقـررات سـند مالکیـت صـادر خواهـد شـد. ۲۴۷۴/م الـف/۱۲
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۰۷
شهریار خدری - رئیس ثبت اسناد واملاک ۲۵۸۴

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات وساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۰۳۷۲ مورخ ۱۴۰۵.۴.۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبا دشت تهران تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی علیرضا رشوند بوکانی فرزند غریبعلی به شماره ملی ۰۰۱۵۲۲۰۱۵۱ ششدانگ یک قطعه باغ در آن به مساحت ۵۳۳.۶۹ متر مربع قسمتی از پلاک ۱ فرعی از ۱۴۰۴ اصلی واقع در بخش ۱۰ تهران حوزه ثبت زیبا دشت خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م الف ۱۲۳۳۱ اداره ثبت اسناد و املاک زیبا دشت (تهران)

آگهی فقدان سند مالکیت
آقای علی صادقی ازندریانی به شماره ملی ۳۹۳۳۸۰۹۹۴۰ فرزند رضا با تسلیم تقاضا مثبوته به شماره ۱۴۰۵۸۵۶۰۱۰۲۵۰۰۶۸۸۴ مورخ ۱۴۰۵.۰۳.۰۳ منضم به دو ۲ برگ استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت المثنی و مصدق شده طی شماره ۱۹۴۸۶ مورخ باشناسه یکتا ۱۴۰۴۰۲۱۵۲۹۰۲۰۰۰۲۶۸ و رمز تصدیق ۴۶۹۳۸۸ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۵۷ حوزه ثبتی تهران مدعی گردیده سند مالکیت ششدانگ یک قطعه آپارتمان وضعیت خاص طلق به پلاک ثبتی ۱۰۱۱۸۳ فرعی از ۶۹۳۳ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۸۰۱ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۱۵ در طبقه ۵ و واقع در بخش ۰۲ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک نارمک تهران استان تهران به مساحت ۱۲۶.۰۵ متر مربع که مقدار ۱۷.۱۰ متر مربع آن بنای پیشرفته است به فضای خیابان و مقدار ۲.۵۰ متر مربع آن سطح بالکن است ،
مشخصات منضمات ملک:
پارکینگ قطعه ۷ به مساحت ۱۱ متر مربع واقع در طبقه زیرزمین
انباری قطعه ۸ به مساحت ۹.۱۶ متر مربع حقوق ارتفاقی منضم: این انباری از پارکینگ نه حق عبور دارد
انباری قطعه ۱۱ به مساحت ۳.۶۵ متر مربع ، حقوق ارتفاقی منضم: این انباری از پارکینگ شماره ده حق عبور دارد
مشخصات‌مالکیت:
مالکیت علی صادقی ازندریانی فرزند رضا شماره شناسنامه ۲۶ تاریخ تولد ۱۳۵۴.۰۱.۰۳ صادره از ملایر دارای شماره ملی ۳۹۳۳۸۰۹۹۴۰ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۳۸۳۶۹ تاریخ ۱۳۹۸.۱۱.۲۶ دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۶۵۷ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۸۴۷۴۸۸ سری ج سال ۹۸ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۹۲۰۳۰۱۰۲۵۰۰۵۲۶۷ ثبت گردیده است.
محدودیت ها: ندارد
بعلت جابجایی مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی پلاک موصوف را نموده است لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیر الانتشار همین روزنامه آگهی میشود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی شود . در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید
م الف ۱۲۳۳۲ اداره ثبت اسناد و املاک نارمک (تهران)

آگهی فقدان سند مالکیت
آقای محمد جواهری به وکالت از خانم زهرا بیگ محمدی بموجب وکالتنامه رسمی شماره ۳۵۵۷۱ مورخ ۱۴۰۴.۶.۱۲ دفتر خانه شماره ۱۱۳۰ تهران که اصالت و اعتبار وکالت وعدم عزل وکیل از طریق سامانه ثبت من وصول گردیده است با تسلیم تقاضا مثبوته به شماره ۰۹۰۸۳ مورخ ۱۴۰۵.۳.۱۹ منضم به دو ۲ برگ استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت المثنی و مصدق شده طی شماره ۲۶۷۳۴۴ مورخ ۱۴۰۵.۳.۵ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۱۳۰ حوزه ثبتی تهران مدعی گردیده است.
سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین به پلاک ثبتی ۹۵۰۰ فرعی از ۷۰۲۲ اصلی ، مفروز و مجزا شده از ۶۵۱ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ششم تفکیکی واقع در بخش دو تهران به مساحت ۸۳.۴ متر مربع
بنام خانم فاطمه بیگ محمدی مالک هفتاد و پنج صدم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۴۰۱۹۱۳۹۰۰۰۰۲۳۴۳۷۷ تاریخ ۱۴۰۱.۰۱.۲۰ سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۵۲۶۷۲۷ سری ه سال ۰۴ در دفتر الکترونیک املاک بشماره ۱۴۰۴۲۰۳۰۱۰۲۵۰۵۲۶۸۹ بنامش ثبت صادرو تسلیم گردیده است.
بنام خانم زهرا بیگ محمدی مالک هفتاد و پنج صدم دانگ مشاع از شش دانگ سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۵۲۶۷۲۸ سری ه سال ۰۴ دفتر الکترونیک املاک بشماره ۱۴۰۴۲۰۳۰۱۰۲۵۰۵۲۶۹۰ بنامش ثبت و صادر و تسلیم گردیده است. بنام آقای احمد بیگ محمدی مالک یک ممیز پنج دهم دانگ مشاع از شش دانگ سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۵۲۶۷۲۹ سری ه سال ۰۴ در دفتر الکترونیک املاک بشماره ۱۴۰۴۲۰۳۰۱۰۲۵۰۵۲۶۹۱ بنامش ثبت صادر و تسلیم گردیده است. بعلت سرقت مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی پلاک موصوف را نموده است لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیر الانتشار همین روزنامه آگهی میشود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی شود. در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.
م الف ۱۲۳۲۶ اداره ثبت اسناد و املاک نارمک (تهران)